



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مجتمع علمیه کوثر

استان تهران

رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه از منظر قرآن

استاد راهنما:

حجه اسلام و المسلمین دکتر غضنفری

محقق:

زهرا آریانی

بهار ۱۳۹۲

عنوان مقاله:

رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه از منظر قرآن

پژوهشگر: زهرا آریانی

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۲۶۰۵۰۹

پست الکترونیک: z.aryanii@gmail.com

مقطع: سطح ۳ (کارشناسی ارشد)

گرایش: تفسیر و علوم قرآن

مدرسه علمیه: کوثر- تهران

چکیده:

نهایت انسانیت انسان آن است که صفات و افعال خداوند در وجود او به ظهور برسد و تمامی افعال و صفات انسانی به صبغه و رنگ الهی مصبوغ شده و به این ترتیب کارکرد ها و جنبه های مختلف انسان به تجلی گاه خداوند مبدل شود .

از دیدگاه قرآن هدف نهایی زندگی، تقرب به خداوند است و هیچ هدفی متعالی تر از آن وجود ندارد؛ زیرا تقرب به خداوند رسیدن به همه کمالات، زیباییها، لذتها و سعادت ابدی است و لذا باید روش و سبک زندگی خود را چنان قرار دهیم و برنامه ریزی کنیم که به این هدف دست پیدا کنیم. و چنانچه این هدف محقق شود و شیوه و سبک زندگی بر پایه تقرب به خداوند ترسیم شود در این هنگام است که زندگی طعم حیات طیبه را پیدا می کند و پایدار و فناپذیر می شود و در جوار رحمت حق قرار می گیرد .

شناوری و نوسان زندگی میان هزار ها هزار مسئله و موضوع خرد و کلان به راستی ، برای شگفت ساز کردن زندگی کافی است و اندکی از شگفتی ، برای بازیابی و باز بینی زندگی ، ضرورتی انکار ناپذیر است .

در این پژوهش همت گماردیم تا سبک زندگی اسلامی و ویژگی های آن و هدف از آفرینش را بیان کنیم و با تعریفی از حیات طیبه و ویژگی های حیات طیبه و شاخصه های آن در راستای رسیدن به سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن را مورد بررسی قرار دهیم و مفهوم آن و زوایای عمیقش در بستر آیات قرآن را واکاویم و از چراغ فروزان کتاب الهی بر زوایای تاریک معرفتیمان در این باره پرتو اندازیم. و در انتها حیات طیبه را با سبک زندگی منطبق می کنیم تا رابطه تنگاتنگش با سعادت و هدایت انسان نمود پیدا کند ، و امید این را داریم که بشریت با توجه پیش از پیش به آیات قرآن و سر لوحه قرار دادن سیره اولیاء بتواند در مسیر رشد عقلی گام های مؤثرتری بردارد و در نهایت به کمال معنوی که آمال همه پیامبران و اولیاء است، دست یابد.

کلید واژه: سبک زندگی، حیات طیبه، اخلاق، زندگی، قرآن

مقدمه:

از آنجا که ارائه سبک زندگی اسلامی با شیوه سیستماتیک و نیز قانون‌مند کردن آن برای همه بشریت، آن گونه که شایسته این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در حیات طیبه که یک اصطلاح قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد.

یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که حیات سبب حس و حرکت در همه موجودات است، حیات طیبه نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.

وقتی انسان در مسیر معنای واقعی زندگی قرار می‌گیرد، حتی بعد مادی او به علت آنکه با این مسیر در سنخیت تام قرار دارد، محفوظ و منتفع خواهد شد. البته تبیین این مطلب مجال فراخ تری را می‌طلبد اما اجمالاً می‌توانیم این نکته را در نظر قرار دهیم که اگر انسان در مسیری قرار می‌گیرد که حقیقت وجودی او برای آن خلقت یافته، مطمئناً تمام وجود او اعم از بعد روحی و جسمیش به نشاط و شور در خواهد آمد. سنخیتی که از تقرب به وجودی حاصل شده که تمام وجود او تماماً به سوی او مشتاق است و لحظه‌ای فراق از آن را به لحاظ وجودی نمی‌تواند تحمل کند.

لذا در این تحقیق سعی بر این داشتم تا با معرفی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و همچنین با درنگ و ژرف‌کاوی در آیات مربوط ابعاد حیات طیبه را آفتابی کنم و در پرتو سایر آیات قرآن کریم رابطه بین سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه را به تفصیل باز خوانی کنم.

امید است که خداوند همه انسان‌های حقیقت‌جو را در شناخت هدف زندگی و رسیدن به آن، یاری دهد و ما را از اهل معرفت و نوشندگان شراب وصل خود گرداند.

سبک زندگی :

واژه «سبک زندگی» به حد کافی ساده به نظر می‌رسد که هر کس بتواند مفهوم کلی آن را دریابد. اما باید توجه کرد که این اصطلاح از فرهنگ خارجی وارد زبان و فرهنگ ما شده است و نیاز به بازتعریف دارد. اگر چه تعریف کلی سبک زندگی به عنوان نحوه و روش زندگی کردن عام و قابل تعمیم به هر فرهنگی به نظر می‌رسد؛ اما وقتی این مفهوم را به عرصه عملی و کاربردی ببریم، اختلاف‌ها رخ می‌نمایند.

اگر یک بار دیگر بخواهیم به تعریف این مفهوم نگاهی بیاندازیم، از منظر غربی سبک زندگی شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی او اعم از فردی یا اجتماعی است. اما آنچه نگاه غربی از تعریف آن باز مانده است، مبنا و شیوه انتخاب این سبک است. ساده‌تر بگوییم، اگر فردی بخواهد سبک زندگی خود را شکل دهد، بر چه اساسی باید از انواع و اقسام سبک‌ها و شیوه‌های رفتاری، یکی را انتخاب و یا حتی اختراع کند؟! در نگاه غربی و غیردینی این مبنا در فردگرایی و اصالت سود و لذت خلاصه می‌شود؛ یعنی هر شیوه‌ای که فرد بیشتر به مذاقش خوش بیاید سبک زندگی خوبی خواهد بود اما پاسخ ما به این سوال، پاسخ دینی است.

سبک زندگی را می‌توان شیوه زندگی که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است که شامل عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... می‌شود که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.

مفهوم سبک زندگی از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره‌ای از واقعیت‌های فرهنگی جامعه آن را مطرح و به کار می‌برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است. سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند، به وجود آمده است.

فیلیپ کویین می‌گوید: زندگی معنادار زندگی است که ارزش زیستن داشته باشد و زندگی‌ای ارزش زیستن دارد که ارزش‌های آن چنان گسترده است که هر فرد انسانی همچنان می‌تواند ارزش‌های مطلوب خویش را در آن بیابد و لازمه

چنین زندگی ای، جاودانگی هر فرد انسانی است. ولی باید توجه داشت که زندگی ای شایسته زیستن است که معنادار، اخلاقی و توأم با خوشبختی باشد. (بیات، ص ۱۸۴)

تقریباً در اکثر تعریف های سبک زندگی می توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است؛ و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کُل را از کُل های دیگر متمایز می کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام مندی، کلیت، هویت و تمایز در بیانات اخیر رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است. اما آن چه در تعریف های سبک زندگی، جلوه گر می شود آن است که این تعریف قرابت بسیاری با مفهوم هویت پیدا می کند اما با این تفاوت که علاوه بر هویت، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می شود و می توان مثالها و مصداقهایی از زندگی واقعی را شاهد آورد.

مقصود از سبک زندگی این است که زندگی را به درختی که دارای ۳ بخش ریشه، تنه و شاخ و برگ است تشبیه می کنند و سبک زندگی در حقیقت محتوایی است که این ریشه، تنه و شاخ و برگ و میوه آن دارد. مجموعه جهت گیری های کلی زندگی و نگرش هایی که وجود دارد مجموعه سبک زندگی هر فردی را تشکیل می دهد.

مسئله زندگی بستگی به این دارد که هدف از زندگی چه باشد. شیوه زندگی انسان، شیوه تعقل انسان است. دکتر دینانی در این باره می گویند: زندگی هر انسانی بر آمده از عقل اوست و به تعداد مراتب عقل، شیوه زندگی وجود دارد. و زندگی در صورت فوران و هیجان عقل و عشق پر معنی تر و پویا تر می شود. (فیضی، زندگی و بس، ص ۷۵) و همچنین آیت الله مصطفوی می فرمایند: زندگی برای این است که انسان کاری بکند که عند اللهی بشود و الا آنچه در نزد آدمی است تمام می شود. بنابراین اگر کسی خودش را متصل به خدا کند و متصل به هدف دائمی بنماید که «حی الذی لا یموت» است نمی میرد و متصل به حق می شود. اینجاست که زندگی معنا پیدا می کند. (فیضی، زندگی و بس، ص ۵۸۷)

سبک زندگی اسلامی :

وقتی می گوئیم دین اسلام برای تمام عرصه های زندگی فرد مسلمان حرفی برای گفتن دارد، به این معناست که فرد مسلمان می تواند و می باید زندگی خودش را بر اساس اصول و آموزه های دینی شکل دهد؛ و بر اساس نگاه و فلسفه دینی

سبک زندگی خود را طراحی یا انتخاب نماید. سبکی از زندگی که قرآن کریم از آن به عنوان حیات طیبه نام می برد. در واقع سبک زندگی اسلامی عبارت است از :

شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی یا اجتماعی که بر اساس اصول و آموزه های اسلامی شکل گرفته باشد.

اگرچه بین زندگی پاک و زندگی اسلامی مترادفی در مفهوم وجود ندارد ولی در مصداق با هم مشترکند. لذا با بررسی ابعاد حیات طیبه در قرآن به شناخت عمیق تر سبک زندگی اسلامی خواهیم پرداخت .

مولفه های سبک زندگی:

یکی از روشهایی که می توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه هایی است که ایشان برای سبک زندگی بر شمرده و یا در تحقیقات خود از آنها به عنوان شاخصه بهره برده اند. در اینجا منظور از مؤلفه اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می شوند.

به تعبیر دیگر سبک زندگی دقیقاً تمام اجزایی است که ما در طول زندگی با آن روبرو می شویم. شیوه تغذیه، نحوه پوشش، نحوه گذران اوقات فراغت، نوع مسکن، چیدمان منزل، حمل و نقل، خرید و مصرف، آرایش و پیرایش، تربیت فرزندان، رسانه و زندگی و...

تمامی موارد بالا همان هایی هستند که در سبک زندگی با آن مواجه می شویم. ولی برای دستیابی بهتر به ابعاد این مفهوم و وصول هرچه دقیق تر بهتر است یک دسته بندی ارائه دهیم تا بتوان حدود و ثغور را مشخص کرد و از تشتت و پراکنده گویی پرهیز کرد.

حضرت آیت الله جوادی آملی در کتاب شریف مفاتیح الحیاه سبک زندگی را چنین دسته بندی کرده اند :

۱. تعامل انسان با خود
۲. تعامل انسان با هم نوعان
۳. تعامل انسان با نظام اسلامی
۴. تعامل انسان با حیوان
۵. تعامل انسان با خلقت زیست محیطی

سبک زندگی، اموری را شامل می شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می شود:

۱. اموری نظیر بینش ها (ادراک ها و معتقدات) و گرایش ها (ارزش ها، تمایلات و ترجیحات) که اموری ذهنی یا رفتار

درونی هستند و رفتارهای بیرونی اعم از اعمال هشیارانه و غیر هشیارانه، حالات و وضعیت جسمی و موقعیت های

اجتماعی تماماً در ذیل این مفهوم بررسی می شوند .

۲. سبک زندگی همه حوزه های رفتاری ما، مانند: حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می شود.

سبک زندگی تنها در ساحت فردی معنی پیدا نمی کند بلکه بعد اجتماعی و جمعی آن وجه مهمی از این نظام و سیستم

را تشکیل می دهد.

آیات متعددی معیارهای جامعه مطلوب را بیان می نماید: ایمان، تقوی، امر به معروف و نهی از منکر: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» (آل عمران:

۱۱۰); شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردند که (خلق را سعادت بخشند و برای اصلاح بشر)

مردم را به نیکوکاری وادار و از بدکاری بازدارند و ایمان به خدا آورند و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند بر آنان در عالم،

چیزی بهتر از آن نیست...

در صورتی جامعه می تواند بهترین امت و جامعه نمونه باشد که امر به معروف و نهی از منکر کند و ایمان به خدا

داشته باشد. مسلمانان زمانی امت ممتاز محسوب می شوند که دعوت به نیکی ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و به

خداوند مؤمن باشند. هر گاه این دو وظیفه فراموش گردد و ایمان به خداوند تضعیف شود آنان نه بهترین امت اند و نه به

سود جامعه بشریت عمل خواهند کرد. شاید به این دلیل که امر به معروف و نهی از منکر ریشه های ایمان را در دل مردم

محکم می کند، بر ایمان به خداوند مقدم شده است. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۴۴)

به عبارت دیگر، آیه شریفه مزبور شایسته ترین امت ها را امتی معرفی می کند که همواره به اصلاح خویش بکوشد و

علاوه بر اصلاح خود، به اصلاح جامعه می پردازد، دیگران را به خیر و صلاح، نیکی ها و ارزش ها دعوت می کند و از

زشتی ها و پلیدی ها باز می دارد. دعوت به نیکی ها و مبارزه با زشتی ها در واقع، حرکت و تلاشی در جهت تحرک

بخشیدن به جامعه برای رسیدن به حیات طیبه است. در جامعه اسلامی و جامعه مورد نظر قرآن کریم، افراد نه تنها مسئول اند

که خودشان تلاش کنند و نیکوکار باشند و از زشتی ها و پلیدی ها به دور باشند، بلکه موظف اند در راه اعتلای دین و در

راه پیدایش حیات طیبه، دیگران را نیز امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

ویژگی های سبک زندگی اسلامی:

سبک زندگی اسلامی می تواند ویژگی های زیر را داشته باشد :

زندگی متکی به خدا:

در قرآن، زندگی آن گاه ارزشمند است که در راه خدا و در ارتباط با خدا باشد. ارتباط انسان با خدا باعث می شود تا زندگی انسان هدفمند گشته و از پوچی و بی هدفی دور باشد. کسی که زندگی خود را با خدا ارتباط دهد به نیکبختی و سعادت حقیقی نایل می شود. انسان واقعی در قرآن کریم کسی است که از یاد خدا فراموش نگردد، چرا که غفلت از خدا و فراموشی او مساوی است با از خود بیگانگی و فراموشی خویشتن. «ولا تكونوا کاذبین نسوا الله فانساهم انفسهم» (حشر، ۱۹) مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خداوند نیز خودشان را مورد فراموشیشان قرار داد.

بی شک در جهان تهی از خدا به سر بردن نتیجه اش پوچی و بدبینی به حیات و کل هستی است. چرا که یاد و اعتقاد خدا به زندگی انسان معنا و مفهوم می دهد. در سختی های زندگی و رویدادهای ناگوار حیات، تنها عاملی که می تواند به فرد امید و آرامش دهد، توکل به خدا و اعتقاد به اوست.

زندگی هدفدار:

زندگی قرآنی از آن جا که متکی به خداست، از هدف و غایت تهی نیست. آفرینش انسان و جهان هستی بر پایه هدف و مقصدی خاص بوده است، از این رو انسان نیز در حیات خود باید هدف خاصی را دنبال نماید و آن هم رسیدن به معنویات و دینداری است. در مکتب اسلام، آغاز و پایان زندگی مشخص و غایتمند است و برنامه ای که در طول این مدت باید انجام دهد نیز مشخص می باشد. قرآن فلسفه آفرینش و برنامه و اصول زندگی انسان را معین نموده است تا فرد به هدف واقعی حیات معنوی خویش نایل شود. از نظر قرآن مبدا و منشا انسان، خداست. «أنا لله و أنا الیه راجعون» همانا از خدا هستیم و به سوی او بازگشت می کنیم.

زندگی رهبری شده:

زندگی قرآنی، زندگی رهبری شده و ضابطه دار است. مسیر زندگی سرشار از فراز و نشیب است و در این مسیر باید معیار و رهبری آسمانی وجود داشته باشد تا انسان را در این مسیر هدایت نماید. بی تردید انسان به اندیشه و تفکر محدود خود، همواره موفق به شناخت راه حقیقی نخواهد بود، مگر آنکه معیار و برنامه ای راهنمای او باشد. انسان از آنجا که قرآن

راهنمای اوست، در انتخاب راه خویش هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه نخواهد داد. زندگی چنین انسانی بر اساس قرآن و تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله) که از منبع وحی سرچشمه گرفته است، شکل می گیرد. « ذلک الکتاب لا ریب فیه هدیٌ لِّلْمُتَّقِینَ » این قرآن، شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزکاران است.

زندگی خلاق و آگاهانه:

آن زندگی که مورد نظر قرآن است باید از تلاش و کوشش خلاقانه انسان لبریز باشد. انسان باید سعی نماید که زندگی اش مفید واقع شود و هر روز قدمی به سوی کمال بردارد. انسان مومن باید آن چنان زندگی کند که امروزش نسبت به دیروزش از ارزشی والاتر و بالاتر برخوردار باشد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: "ملعون است کسی که دیروزش از امروزش بهتر نباشد و مغبون است کسی که دو روزش مساوی بوده باشد." برای آن که انسان از یک زندگی خلاقانه برخوردار باشد، باید همواره مراقب اعمال و رفتار خود بوده و به محاسبه نفس پردازد.

زندگی آزادانه:

زندگی مورد تأیید قرآن زندگی آزادانه است. زندگی ای است که در آن بندها از دست و پای آدمی گشوده شده باشد. از دید قرآن، انسان باید جز بندگی خدا هیچ تعلقی نداشته باشد و آزادانه مسیر زندگی خود را انتخاب کند. فضای اجتماعی انسان باز و آزادانه است. اجتماع مورد ایده آل قرآن، اجتماعی است که انسان بتواند با اختیار زندگی کند.

زندگی مادی و معنوی توأمان:

زندگی مورد ایده آل، زندگی ای است که در آن مسائل معنوی و مادی در کنار یکدیگر قرار بگیرند. دنیا و آخرت مکمل یکدیگرند. وجود یکی بدون دیگری ناقص و ناتمام است. قرآن میان زندگی ماده گرایانه و معناگرایانه تفاوتی قایل نیست و این دو را لازمه یکدیگر می داند. قرآن این دو را با یکدیگر و بدون هیچ تفکیک عینی به عنوان زندگی واقعی به حساب می آورد. از این رو توجه بیش از حد به زندگی معناگرایانه و اغفال از زندگی دنیوی مورد نکوهش قرار گرفته است. « وَلَا تُنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا » (قصص، ۷۷) و بهره ات را از زندگی دنیوی فراموش مکن. زندگی با دیگران نه در دیگران. زندگی انزواطلبانه در اسلام سخت نکوهش شده به طوری که هیچ مسلمانی حق ندارد به رهبانیت و گوشه نشینی تن در دهد. انسان مسلمان باید در متن اجتماع و در میان امت انسانی به سر برد و خود را عنصری مجزا از دیگران در نظر نگیرد، چه آنکه

جدایی از دیگران با تعهد الهی هیچ گونه سازشی ندارد. این شعار اسلام است که می گوید: "لا رهبانیه فی الاسلام." گوشه نسنینی و ترک دنیا در اسلام نیست.

بنابراین از دیدگاه اسلام، دنیا هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. اگر توجه به آن در حد معقول باشد از ارزش مثبت برخوردار خواهد بود. آنچه اصیل است، زندگی آخرت است و زندگی دنیا گذرگاهی برای رسیدن به آن است. باید دنیا را وسیله ای برای رسیدن به هدف حیات که جهان آخرت است تلقی کرد.

برای اینکه سبک زندگی خود را بر پایه اسلام قرار دهیم ابتدا باید هدف از زندگی را برای خود مشخص کنیم. البته در آیات قرآن، اهداف متعددی برای آفرینش انسان مطرح شده است که می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: (فلسفه و هدف زندگی، ص ۱۲۳، علامه محمدتقی جعفری).

۱ - هدف مقدماتی (کوتاه مدت):

مقصود از آن، فراهم شدن زمینه های مادی و اجتماعی و تحقق شناخت های لازم برای انتخاب آزادانه راه و رسم زندگی برای انسان و استمرار حیات است. از جمله این اهداف می توان به آبادانی زمین و دستیابی به توسعه مادی و اقتصادی اشاره کرد. چنان که در سوره هود آیه ۶۰ می فرماید:

«وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم صالح گفت: ای مردم! خدا را عبادت کنید که معبودی غیر از او ندارید. او شما را از زمین آفرید و آبادی آن را از شما خواسته است).

این که خداوند انسان را به آبادکردن زمین وا می دارد و عمران آن را از او می خواهد، به این معنا نیست که هدف نهایی همین باشد، بلکه بهره وری از زمین برای بقای انسان و استمرار حیات مادی، لازم و ضروری است و ادامه زندگی نیز مقدمه رسیدن به هدف والاتری است که انسان و استمرار حیات به تدریج باید به سوی آن هدف در حرکت باشد و سرانجام به آن برسد.

۲ - هدف میانی (متوسط):

بدون هدف های میان مدتی که در قرآن برای زندگی انسان بیان شده است رسیدن به هدف نهایی ممکن نخواهد بود. دو نمونه از این اهداف را «آزمایش بندگان» و «عبادت خدا» می توان نام برد.

الف - آزمایش:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...» (خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید شما را که کدام یک

نیکوکار می‌شوید). (ملک/۲)

منظور از آزمایش خداوند نوعی پرورش است، به این معنی که انسان‌ها را به میدان عمل می‌کشد تا ورزیده و آزموده و پاک

و پاکیزه شوند و لایق قرب خدا گردند. (طباطبایی، المیزان، ص ۴۹۱ و ص ۴۹۳)

ب - عبادت

در آیه ۵۶ سوره ذاریات یکی دیگر از هدفهای میانی را عبادت ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (جن و انس را نیافریدم مگر اینکه مرا عبادت کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من

نزدیک شوند).

اغلب گمان می‌کنند مقصود از عبادت، همان حرکات و ورد و ذکرهای خشک است که بر اثر عادت انجام می‌شود یا تنها

نماز و روزه و امثال آن را عبادت به حساب می‌آورند اما باید توجه داشت که عبادت مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و برای آن

یک معیار کلی بیان شده است که عبودیت، اطاعت بی‌قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه‌هاست، و بالاخره عبودیت آن

است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام برندارد، و هرچه غیر او است فراموش کند

حتی خویشتن را. (گامی بسوی معارف اسلامی، ص ۱۶۴، جمعی از نویسندگان).

نکته ای که در اینجا باید دقت کرد این است که این اهداف در واقع خود وسیله رسیدن به هدف غایی و نهایی انسان

است و باید با عبادت روح را پرورش داد تا به کمال برسد.

آیه الله جوادی آملی این موضوع را به زیبایی مو شکافی می‌کنند:

اگر کسی بخواهد در عمق اقیانوس بی‌کران غواصی کند، می‌تواند ولی به این شرط که حفاظ دریایی را در دریا از تن دور

نکند. ذات اقدس خداوند، به انسان این پرو بال را داده که در همه اسمای الهی سفر کند. انسان چه بخواهد راه اندیشه

حصولی را طی کند و چه بخواهد راه شهود را بییماید باید عبد صالح خدا باشد عبودیت و بندگی، حفاظ این غواصی است و

اگر لحظه ای از این بندگی خارج شد و به میل خود عمل کرد، خروج از زی بندگی همان و هلاکت در تیه جهالت و ضلالت

همان. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱۵، ص ۲۱۶)

به هر حال انسان می تواند در فضای باز و مطلق سفر کند و در دنیا به هر روشی سبک زندگی اش را قرار دهد ولی اولین و آخرین شرطش، پوشیدن جامه بندگی است .

۳ - تقرب به خدا، هدف نهائی

مقصود از هدف نهائی چیزی است که بقیه کارها برای رسیدن به آن انجام می گیرد. از دیدگاه قرآن هدف نهائی زندگی، تقرب به خداوند است و هیچ هدفی متعالی تر از آن وجود ندارد؛ زیرا تقرب به خداوند رسیدن به همه کمالات، زیباییها، لذت ها و سعادت ابدی است و این تقرب همراه با چشیدن طعم حیات طیبه و پایدار و فناپذیر در جوار رحمت حق است و اینکه قرآن، عبادت را به عنوان هدف خلقت بیان می کند از آن جهت است که عبادت رابطه انسان را با خدا محکم ساخته، زندگی او را خدا محور می سازد و چنین زندگی موجب تقرب انسان به خدا می شود.

و امام خمینی چقدر زیبا به انسان در این باره تذکر می دهد که :

ای سر گشتگان وادی حیرت و ای گمشدگان بیابان ضلالت، نه، بلکه ای پروانه های شمع جمال جمیل مطلق، و ای عاشقان محبوب بی عیب بی زوال، قدری به کتاب فطرت رجوع کنید و صحیفه کتاب ذات خود را ورق زنید، ببینید با قلم قدرت الهی در آن مرقوم است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام، ۷۹) تا کی خیالات باطل این عشق خداداد فطری و این ودیعه الهیه را صرف این و آن می کنید؟ اگر محبوب شما این جمال های ناقص و این کمال های محدود بود، چرا به وصول آن به آنها آتش اشتیاق شما فرو ننشست و شعله شوق شما افزون گردید؟

هان، از خواب غفلت برخیزید و مژده دهید و سرور کنید که محبوبی دارید که زوال ندارد، معشوقی دارید که نقصی ندارد، مطلوبی دارید بی عیب، منظوری دارید که نور طلعتش «الله نور السماوات و الارض» (نور، ۳۵) است . (امام خمینی، علم الیقین، ج ۱، ص ۵۴، مقصد اول، باب ۲، فصل ۵)

قرآن اسباب تقرب و نزدیک شدن را زیادی ثروت و کثرت فرزندان نمی داند بلکه آنچه به عنوان اسباب تقرب و شرایط نزدیکی به خدا بیان می کند دو چیز است: ایمان و عمل صالح.

در آیه ۳۷ سوره سبأ این مطلب چنین بیان می‌شود:

«وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا ذُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا»

(اموال و اولادتان شما را به ما نزدیک نمی‌کند مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند .)

ایمان به خدا و عمل صالح، زندگی انسان را خدا محور می‌کند و آن زندگی که محور اصلی آن خدا باشد، سراسر عبادت است و عبادت موجب کمال و تقرب به خداوند می‌باشد، همان گونه که قرآن در این آیه ایمان و عمل صالح را اسباب تقرب به خدا معرفی می‌کند. و همچنین در آیه ۹۷ سوره نحل این دو چیز را زمینه رسیدن به حیات طیبه می‌داند و نیز در سوره عصر، این دو را مایه نجات انسان از خسران عظیم بیان می‌دارد. می‌شود چنین نتیجه گرفت که نجات انسان از خسران عظیم و رسیدن به حیات طیبه و تقرب به خداوند، هر سه، ثمره و نتیجه ایمان به خدا و عمل صالح می‌باشد که لازم است سرلوحه زندگی انسان قرار گیرد. پس بهتر است ما در روند زندگی خود یک تجدید نظری داشته باشیم و ببینیم در حال حاضر کدام دسته از اهدافی را که قرآن برای ما ترسیم کرد دنبال می‌کنیم و چشم انداز ما برای رسیدن به کمال چگونه است؟

حیات طیبه :

برای توضیح سبک زندگی از دیدگاه قرآن ، باید خود حیات را در افق قرآن مورد توجه قرار داده . سبک زندگی و حیات در قرآن به عنوان یک موضوع قابل توصیف و تعریف علمی تذکر داده نشده است و شناسایی و تعریف آنها را به خود انسان موکول نموده و با بیانات گوناگونی ، انسان ها را به شناخت آنها تحریک کرده است. شاید این سکوت معلول آن باشد که معرفت انسانی درباره حیات که از مجرد حرکت و احساس شروع می شود و از «انسانها خلقا اخر» عبور می کند و دارای روحی می شود که « من امر ربی» است آنگاه پس از گذر از مراحل متوسط تکامل

بار دیگر از ملک پران شود آنچه اندر وهم ناید آن شود (مولانا)

حیات پاک در اصطلاح اسلامی، نوعی زندگی است که انسان در ارتباط با خدا، به آن دست می یابد و با دست یافتن به آن در همه ابعاد وجودی خویش از پلیدی بر کنار خواهد بود. این ابعاد شامل جسم، اندیشه و اعتقاد، میل، اراده، عمل فردی و جمعی است ... آدمی در این نوع زندگی، مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می شناسد و به او می گروید؛ در عرصه جسم، به پاکی، سلامت و قوت نایل می گردد؛ گرایش ها و هیجان های خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کند، اراده معطوف به خیر می یابد و در عرصه فردی و جمعی عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت و عدالت و رأفت را در جامعه می گستراند.

علامه طباطبایی ذیل آیه « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » (نحل، ۹۷) در توضیح مفهوم

حیات طیبه به این نکته تأکید دارد که اعطای حیات طیبه، وعده جمیلی است که به عنوان مصداق «رحمت رحیمه حق تعالی» در همین دنیا و همه شئون فردی و اجتماعی زندگی، به همه زنان و مردان مومن که عمل صالح می کنند، داده می شود و ثمره طبیعی آن در حیات آخرت «جنت» و «رضوان» حق تعالی است. (المیزان، ج ۱۲، ص ۴۱۹)

معنای حیات طیبه

در مورد حیات طیبه دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است که به برخی به صورت کوتاه، اشاره می کنیم:

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان حیات طیبه را به رزق و روزی حلال، زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی، بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا و زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی تفسیر نموده است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۷۳۴). برخی دیگر از مفسران گفته‌اند حیات طیبه، حیات بهشتی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ شقاوت دیگری، در آن نیست (تفسیر فخر رازی، ج ۲۰، ص ۱۱۳). بعضی دیگر گفته‌اند منظور از حیات طیبه حیات برزخی است و شاید این تخصیص را از اینجا پنداشته‌اند که ذیل آیه را به جنت آخرت حمل کرده و برای حیات طیبه جز برزخ، چیزی به نظرشان نرسیده است (آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۴، ص ۲۲۶). برخی دیگر گفته‌اند مراد از حیات طیبه همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان می‌باشد، زیرا چنین حیات طیبه، پاکیزه‌ترین سبک زندگی است (آلوسی بغدادی، ج ۱۴، ص ۲۲۶). برخی نیز معتقدند که مراد از حیات طیبه، رزق حلال است که در قیامت، عقابی بر آن نیست (آلوسی بغدادی، ج ۱۴، ص ۲۲۷). گروهی دیگر گفته‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۸۴) منظور از حیات طیبه یعنی روزی روز به روز و یا منظور از آن قناعت است (قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۹۰).

در تفاسیر دیگر عبادت همراه با روزی حلال و توفیق اطاعت خدا و مانند آن را به تعریف حیات طیبه نیز افزوده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۴) و باز در روایتی که در نهج البلاغه از امیر مؤمنان (علیه السلام) آمده چنین می خوانیم:

"و سئل عن قوله تعالی فلنحیینه حیاه طیبه فقال هی القناهه"؛ (منظور از جمله «فلنحیینه حیاه طیبه» چیست؟ فرمود: قناعت)

(نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۲۹)

به نظر می‌رسد، در این دیدگاه‌ها مناقشه بسیار است که بر خواننده اگر دقت فرماید، پوشیده نیست (طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۴۹۴). موارد ذکر شده بخشی از واقعیت حیات طیبه را بیان کرده است و به نظر می‌رسد تمام واقعیت نباشد.

انسان ها اگر چه از نظر حیات مادی و طبیعی با یکدیگر مشترک اند، ولی از نظر حیات معنوی با یکدیگر اختلاف دارند. قرآن کریم تعریف خاصی از حیات طیبه دارد. در سوره انعام آمده است: «أَوْ مَنْ كَانَ مُتِنًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۲۲) (آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم تا میان مردم گام بردارد، مثل او مانند کسی است که در تاریکی قرار دارد و از آن نمی تواند خارج شود). منظور از حیات و موت در آیه فوق زندگی و مرگ معنوی است و در پرتو این حیات معنوی و روحانی است که انسان نوری پیدا می کند و در جامعه گام می گذارد. در سوره انفال آیه ۲۴ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اجابت کنید. هنگامی که شما را می خواند تا شما را زنده سازد). آیه فوق به مردمی که از نظر حیات مادی و طبیعی زنده هستند. خطاب کرده و می گوید دعوت خدا و رسول را بپذیرد تا از حیاتی دیگر برخوردار شوید. و همچنین در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هر کس از مرد و زن که عمل صالح انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد به او زندگی پاکیزه ای را می دهیم). آیه فوق از آن حیات حقیقی که بر اساس ارزش های قرآنی تحقق پیدا می کند به نام حیات طیبه نام می برد.

ویژگی های حیات طیبه:

برخی از ویژگی های حیات طیبه به شرح ذیل است (با تلخیص و اقتباس از مقاله حیات طیبه از دیدگاه قرآن نوشته مظاهری سیف)

۱- زندگی حقیقی:

آیه شریفه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) تصریح به این موضوع دارد که مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی، غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می کند و فرمود: (ما او را به حیاتی طیب، زنده می سازیم) (المیزان، ج ۱۲، ص ۴۹۱).

کسی که به حیات طیبه می رسد، به علم و ادراکی دست می یابد که دیگران نرسیدند. همچنین از موهبت قدرت بر احیای حق و ابطال باطل، سهمی دارد که دیگران ندارند. «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده، ۶۹). این علم مؤمن را آماده می سازند، تا اشیاء را بر آنچه که هستند، ببیند و اشیاء را به دو قسم تقسیم می کند. یکی حق و باقی و دیگری باطل و فانی.

کسانی که به حیات طیبه می‌رسند، دل‌هایشان مربوط به پروردگار و جز تقرب او را دوست نمی‌دارند و تنها از سخط و خشم و دوری او، می‌ترسند و در سبک زندگی خود، جز حسن و جمیل چیزی نمی‌بینند. این چنین انسانی که به حیات طیبه رسیده، در نفس خود، به چنان نور و کمال و قوت و عزت و سروری می‌رسد که نمی‌توان اندازه‌اش را معین کرد. در حالی که مستغرق در حیات دائمی و زوال‌ناپذیر و نعمتی باقی و فنا‌ناپذیر است. از این رو است که خداوند، این زندگی را به طیب توصیف کرده که حیاتی است خالص که خبثاتی در آن نیست. راه یافتگان به عالم عندالله از زندگی حقیقی در محضر خداوند که در حقیقت اثر و جلوه اسم حی است، برخوردارند. «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی دارند.

موهوم بودن حیات دنیا و حقیقی بودن حیات عندالله در قیامت، برای انسان‌های غافل، آشکار شده و با حسرت و آه می‌گویند « يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي » (فجر، ۲۴) روزی که انسان می‌گوید: (ای کاش برای زندگی، چیزی از پیش می‌فرستادم!) زیرا آن هنگام روزی است که « وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ » (احقاف، ۲۰) (کافران به آتش سپرده می‌شوند و به آن‌ها می‌گویند: پاک‌هایتان را در زندگی دنیا، از بین بردید و از حیات دنیا بهره‌ای اندک جستید. پس امروز به عذاب خوارکننده مجازات می‌شوید. به خاطر آنچه استکبار می‌ورزید).

۲- جامع خیر دنیا و آخرت:

عالم عندیت نه در حیات دنیایی محصور است و نه به حیات اخروی اختصاص دارد. بلکه خیر آن، بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از حیات طیبه در همین دنیا از آن بهره‌مندند. (تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۵۲۵) «فَعِنْدَ اللَّهِ تَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (نساء، ۱۳۴) پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خدا است. در ادعیه اهل بیت آمده "و تحیینا حیاة طیبه فی الدنیا و الاخره" (بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۶۳) (ما را به زندگی پاکیزه در دنیا و آخرت زنده بدار). از این دعا، معلوم می‌شود که حیات طیبه، شامل خیر دنیا و آخرت است و آیه شریفه نیز فرمود که خیر دنیا و آخرت، نزد خدا است. پس تحقق حیات طیبه با شاخص برخورداری از خیر دنیا و آخرت، محقق می‌شود.

۳- پایداری:

بهره‌مندی از حیات طیبه، ابدی و ماندگار است و کسی که به حیات طیبه دست یافت، در آن، نابودی و فرسودگی وجود ندارد. در آیه سوره نحل که بحث از حیات طیبه فرمود و اینکه عهد الهی را نفروشید، چرا که، بهره عندالله برای شما نیکو و پسندیده و بهتر است، در استدلال به این جمله، فرمود: «مَا عِنْدَكُمْ يَفْقَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل، ۹۶) (آنچه نزد شما است، نابود

شدنی و آنچه نزد خدا است، ماندنی می‌باشد). در آیه دیگر فرمود: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (قصص، ۶۰) (آنچه نزد خدا است، نیکوتر و پایدارتر است).

۴- کمال وجودی:

رسیدن به حیات طیبه، تحول وجودی به سوی کمال است و این گونه نیست که میان راه یافتگان به آن عالم و درجات و کمالاتشان، جدایی وجود داشته باشد. بلکه صاحبان مقام عنایت، عین کمال بوده و خودشان، درجات آن عالم هستند. «هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آل عمران، ۱۶۳) (آنان، درجاتی نزد خدا هستند) و برخوردارهای و بهره‌مندی‌ها، از خارج وجودشان به آنان داده نمی‌شود. بلکه سیر به سوی حقیقت، وجود آنان را به سرچشمه کمال و جمال، تبدیل کرده است.

۵- درک جایگاه کتب قدسی:

قرآن کریم و سایر کتاب‌های مقدس، در جهان عنایت بوده و کسی که به حیات طیبه برسد، آن‌ها را مشاهده کرده و از حقیقت آن‌ها آگاه است. «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ» (بقره، ۸۹) (و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی به سویشان آمد). «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد، ۳۹) (نزد او، ام‌الکتاب است). «وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ» (ق، ۴) (و نزد ما، لوح محفوظ است). «وَأِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا أَلْعَلِيُّ حَكِيمٌ» (زخرف، ۴) (این قرآن، در ام‌الکتاب، نزد بلند مرتبه‌ای حکیم است). همه حقایق عالم از سرگذشت و سرنوشت نیکان و بدان، تا وقایع و حوادث جهان، در آن نوشته و در مراتب بالا، نزد پروردگار محفوظ است و مقربان بارگاه الهی و کسانی که به حیات طیبه رسیده‌اند، آن را مشاهده می‌کنند. «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَمَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَّرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین ۱۸-۲۱) (نوشته ابرار، در عِلِّيِّین است و تو، چه میدانی، عِلِّيِّین چیست؟! کتابی است نگاشته شده که مقربان می‌بینند).

جهان عنایت جلوه روشن آیات الهی است. «إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ» (انعام، ۱۰۹) (تمام آیات الهی، فقط نزد خداوند است). کسی می‌تواند، آیات الهی را درک کند که چشمی به عالم عندالله گشوده و خبری از آن یافته باشد. جهان، سراسر آیات الهی است.

خداوند، علت پدیده‌ها است و با شناخت خداوند و درک حضور او، می‌توان آیات او را به درستی شناخت. افرادی که به حیات طیبه رسیده‌اند، ابتدا خدا را می‌بینند، آنگاه آیات و نشانه‌های او را به تماشا می‌نشینند. (طباطبایی، رساله الولایه، ص ۱۷۰). آنان همه آیات را نزد خدا یافته، معنای حقیقی آیه بودن را در می‌یابند. «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت، ۵۳) (نشانه‌هایمان را در عالم و جان‌هایشان نشان خواهیم داد، تا برایشان آشکار شود که او حق است).

علامه طباطبایی در رساله الولایه، ضمیر «انه الحق» را به خداوند بر می‌گرداند و واژه (شهید) در آیه را (مشهود) معنا کرده و چنین می‌نویسد: (هر چه را انسان می‌بیند، اول خدا را می‌بیند، بعد آن شی را، زیرا «هو الظاهر» جایی برای ظهور غیر نمی‌گذارد) (جوادی آملی، مجله میراث جاویدان، ص ۹۵)

۶- علم:

یکی از والاترین و برترین شاخصه حیات طیبه و کسانی که به حیات طیبه زنده هستند، ویژگی دارا بودن علم است. «إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» (احقاف، ۲۳) (علم، تنها نزد خدا است) و هرکس به علم حقیقی برسد، بهره عند الهی یافته و به جهان عندیّت راه یافته است. «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف، ۶۵) (و از نزد خود، به او علمی آموختیم).

اهل بیت رسول خدا، معدن و منبع این علم و سرآمد اهل حیات طیبه اند. امام باقر علیه السلام فرمود: «والله انا لِحُزَانِ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَارْضِهِ، لَا عَلِيَّ ذَهَبَ لَا عَلِيَّ فَضَّةَ أَلَا عَلِيٌّ عِلْمُهُ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲) (به خدا سوگند که ما خزانه داران خدا در آسمان و زمینش هستیم. نه خزانه داری بر طلا و نقره، بلکه خزانه داری علم اویسیم).

۷- نور:

قرآن عظیم الشان از کسب حیات طیبه که از آن به نیرو و نور الهی تعبیر شده یاد می‌فرماید و بیان می‌دارد زمانی که آدمی و آدمیان ولایت الله تعالی را بر خویش دارند به قوه رحمانی و رحیمی از حیات ظلمانی به سوی او که نورالانوار است رهنمون خواهند شد و نورالانوار یعنی آن مسیر و فلاحی که هیچ زنگار و لوث و تیرگی در آن اصلاً و ابداً جایی و راهی نداشته بلکه مسیر و جایگاهی طیب و طاهر است که خداوند جل جلاله به آن وعده فرموده است.

هر کس توفیق رسیدن به حیات طیبه پیدا کند، فردی است که از همه تعلقات و تیرگی‌ها، رها یافته و جان و دلش، صاف و پاک گشته است. خداوند این گروه از راه یافتگان به حیات طیبه را به حضور می‌پذیرد. «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَزَقْنَاهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» (حدید، ۱۹) (کسانی که به خدا و رسولش ایمان آوردند، آنان اهل راستی و گواهان نزد پروردگارند که پاداش و نورشان برای آنان است).

این گروه، کسانی هستند که خداوند را با تمام وجود درک کرده و مظهر جمال و جلال او شدند، در میان مردم با این نور، حرکت می‌کنند. «أَوْ مَنْ كَانَ مِثْنًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام، ۱۲۲) (آیا کسانی که مرده بود، پس او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن، میان مردم حرکت کند، مثل کسی است

که در تاریکی‌ها وامانده و راه‌گریزی ندارد؟).

افراد راه یافته به حیات طیبه، به مقدار میزان درک حضور، توان انعکاس نور را دارند. در این میان، اهل بیت رسول خدا (علیهم السلام)، تمام نور او را دریافته و جهان را به نور او فروغ و روشنی بخشیده‌اند.

ابو خالد کابلی می‌گوید: از امام باقر «علیه السلام» درباره این آیه سؤال کردم که خداوند می‌فرماید: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن، ۸) (پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش و نوری که همراه او فرود آمد)، امام پاسخ فرمود: (ای ابو خالد، نور، به خدا قسم، امامان از خاندان پیامبر تا روز قیامت‌اند و به خدا قسم، آنان نور خدایند که نازل شده است و به خدا سوگند، آن‌ها نور خدا در آسمان‌ها و زمین هستند و به خدا قسم، ای ابو خالد، نور امام در قلوب مؤمنان، روشن‌تر از روشنائی خورشید در روز است، و به خدا سوگند، آنها دل‌های مؤمنان را روشن کرده‌اند و خدای عزوجل نورشان را از هر که بخواهد می‌پوشاند، پس دل‌هایشان تاریک می‌شود). (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۴)

۸- روزی مخصوص:

اهل حیات طیبه در عالم عنایت بهره‌هایی دارند که نمی‌توان درباره آن گفتگو کرد. «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) (نزد خدا، روزی دارند). این رزق تنها خوراک و پوشاک و باغ و بستان نیست، بلکه واردات و دریافت‌های مخصوصی است که قلب را زنده می‌کند و حیات طیبه را در عالم عندالله تداوم می‌بخشد.

۹- رحمت خاص:

خدای تعالی رحمت عام و فراگیری دارد که همه هستی و مؤمن و کافر از آن برخوردارند، اما رحمت خاص او مربوط به عالم عنایت است. به همین دلیل، تنها اهل حیات طیبه از آن بهره‌مندند. درباره حضرت خضر «علیه السلام» وارد شده است « آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا » (کهف، ۶۵) (به او رحمتی از نزد خود بخشیدیم). و از زبان حضرت نوح می‌فرماید: «وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ» (هود، ۲۸) (و رحمتی از جانب خود به من عطا کرده است).

رحمت خاص الهی مصادیق گوناگونی دارد: دانش حضرت خضر، بازگشت سلامتی و ثروت به حضرت ایوب به طور معجزه آسا و نبوت حضرت نوح، اموری است که از کمال یافتن هدایت به حق بر آمده است. بنابراین، رحمت خاص آنگاه است که هدایت‌های الهی مؤثر شده و بنده‌ای به جایگاه شایسته بندگی برسد که همانا عالم عنایت و برخورداری از بهره‌های آن و در یک کلام، حیات طیبه است. رحمت عامه زمینه‌ها و ابراز و امکانات هدایت بوده و تباهی و روگردانی از آن‌ها موجب قهر و غضب الهی است و استفاده صحیح از این امکانات رحمت خاص را در پی دارد.

۱۰- آخرت:

با توجه به دو ویژگی پیشین، این حقیقت معلوم می‌شود که عالم عندالله همان عالم آخرت است. البته ویژگی‌های دیگری مثل بقا و پایداری هم این مطلب را به دست می‌دهد، چرا که آخرت هم به دو وصف نیکویی و پایداری توصیف شده است «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی، ۱۷) (و آخرت بهتر و پایدارتر است).

اما گذشته از این‌ها، قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ» (بقره، ۹۴) (سرای آخرت نزد خداست). و یا «وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ» (زخرف، ۳۵) (و آخرت نزد پروردگار توست). بنابراین، آخرت همان عالم عندالله است و زنده شدگان به حیات طیبه هر چند هنوز در این جهان طبیعی حضور مادی داشته باشند، گویی ناظر قیامت و عقوبت و پاداش مردمانند (نهج البلاغه، خطبه متقین). عالم آخرت هم اکنون موجود و برپاست، اما حجاب او هام دنیوی مانع از دیدن باطن دنیا، که آخرت است، شده «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، ۷) (نمایی از زندگی پست و دنیوی را دانسته و از آخرت غافلند). بنابراین، آخرت اکنون هم هست، ولی در غیب آسمان‌ها و زمین (نحل، ۷۷) و با فرا رسیدن قیامت، تنها حجاب‌ها از پیش دیدگان فرو می‌افتد «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصُرَكُمُ الْيَوْمَ خَلْدِيكُمُ» (ق، ۲۲) (تو از این عالم غافل بودی، ما پرده‌ات را از جلوی چشمانت کنار زدیم، پس امروز دیدگانت تیزبین شده است).

از جمله ویژگی‌های کسانی که به حیات طیبه راه یافته‌اند، جایگاه راست و استوار (زخرف، ۳۶) و درک اینکه تمام هستی خود را ملک خدا دانسته و در پیشگاه خدا با استکبار رفتار نکردن (انبیاء، ۱۹) و برخورداری از سرچشمه بی‌پایان با حمایت و پشتیبانی الهی است.

شاخصه های حیات طیبه :

انسان خداجویی که سبک زندگی اش را اسلام انتخاب کرده و صاحب زندگانی پاک و پاکیزه است در دو چیز از دیگر انسان‌ها جدا می‌شود. به طور کلی انسانی که صاحب حیات طیبه است دارای دو شاخصه اصلی می‌باشد «ایمان» و «عمل صالح».

اصل اول در این برنامه مسأله ایمان است که زیربنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد، چراکه تلاش‌های عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد، نه همچون حیوانات که حرکاتشان به خاطر انگیزه‌های غریزی است.

نتیجه چنین بینش و اعتقادی اصل دیگری است که قرآن از آن به عمل صالح تعبیر می‌کند. اعمال شایسته‌ای که نه تنها عبادات، انفاق فی سبیل الله، جهاد در راه خدا، کسب علم و دانش و امثال آن را شامل می‌شود بلکه هر کار شایسته‌ای را که

وسيله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه ها شود در بر می گیرد. (تفسیر نمونه ، ج ۲۷، ص ۲۹۹)

رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه:

از آنجا که انسان خلیفه الله در این سرزمین است و هدف از خلقتش رسیدن به قرب الی الله است باید سبک و اسلوب و شیوه زندگی را با حیات طیبه تطبیق دهد، و تمام هم و غمش را بر این بگذارد که به حیات طیبه و عالم عند الله برسد. عالم عندالله پاداش صبر و بردباری مؤمنانی است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و آن را به بهای ناچیز نفروخته اند؛ پس به نتیجه ای بهتر از عملشان می رسند. این نتیجه و پاداش بهتر از عمل، که در اثر عمل صالح مشروط به ایمان نصیب هر زن و مردی می شود «حیات طیبه» است؛ حیات طیبه معنای وسیعی دارد، حیاتی دور از هر نگرانی و تلخ‌کامی، حیاتی همراه با قناعت و پرهیز از افراط و تفریط، حیاتی سرشار از معنویت و ایمان و احسان به خلق، حیاتی به دور از غفلت، سهو و نسیان و پس برای نیل به چنین سعادت، باید به وحی الهی دستاویز شد و از وسوسه های شیطان گریخت؛ زیرا شیطان بر مؤمنان اهل توکل هیچ نفوذی ندارد.

در آیه شریفه خواندیم، عمل صالح که مصداق جامع آن صبر در بندگی و مخالفت با نفس است، زمینه ساز حیات طیبه و معیار نهایی آن ایمان معرفی شده است. خداشناسی و خداجویی به عنوان دو رکن ایمان (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۲۸) انسان را به ساحت قدس احدیت می کشد و هنگامی که انسان با این دو جنبه که تمام وجود او را در بر می گیرد، به عالم پاک ربوبیت وارد شود، در آن مقام قرب و قدس الهی، حیاتی دیگر می یابد. گویی بار دیگر متولد شده، که عالم طبیعت محض در برابر آن همانند رحم مادر، در پیش این جهان گسترده ی مادی و طبیعی است .

برای تحقق حیات طیبه باید عوامل درونی وابستگی به حیات دنیا را از بین برد و لازمه این توفیق صبر استقامت بر عهد عبودیت است که موجب آزاد شدن دل از قید و بند دنیا می گردد و پیش از فرارسیدن مرگ طبیعی شهادت معنوی و حیات طیبه نصیب بنده بردبار و مجاهد فی سبیل الله می گردد .

و از همین جا معلوم می شود که آثار حیات طیبه بی شمار است، زیرا وجود هستی انسان در سرور و مستی قرب و لقای ذات اقدس احدیت می سوزد و از شراب طهور شهود جمالی ساقی سرمدی می نوشد و فانی می شود و آینه ی دل مومن همه اوصاف الهی را در خود متجلی می سازد. شهود و لقای الهی برترین ثمره ی حیات طیبه است که اولیای خدا در عالم عند الله از آن بر خوردارند : «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰) پس

کسی که مشتاق و امید وار دیدن پروردگار است باید عمل شایسته انجام دهد و در بندگی پروردگار شرک نرزد. در این آیه شریفه دیدار و شهود خداوند در گرو عمل صالح و نفی شرک (ایمان) معرفی شده و حیات طیبه نیز در گرو این دو است .

اما آدمی به همت مردانه و توجه ظاهری و باطنی به سوی جانان می تواند از ابتلا به آلودگی ها به مرور کناره گرفته و به سوی سبک زندگی اسلامی و سیر تکاملی روحی و معنوی گام برداشته و زندگی دنیوی و زمینی خود را نیز به سلامتی و سعادت ادامه دهد. روزنه این توجه به مبادی روحی و معنوی موجب ارتقا و صفای روحی و جسمی چنین فردی شده، در نتیجه آدمی با این توجه معنوی پای در جریان و شاهراه حیات مطهر و پاک نهاده، با افاضه تفضل رحمانی و رحیمی حضرت احدیت در مسیر حیات مادی و معنوی طیبه قدم نهاده و به سوی کمال ازلی و ابدی که همانا قرب حضرت جانان است گام برمی دارد.

کسب اخلاق و حیات طیبه و تجلی عینی این ودیعت عظیم الهی در نهاد و باطن هر فرد، از نعمات بیکران حضرت سبحان است که بر بندگان عنایت می شود، چنانکه صاحب چنین فرّ و نعمتی موجب آرامش و امنیت هموعان و حتی حیات در طبیعت می شود. چنین فردی موجب ظهور و بروز فضائل شده، هرچه از چنین فرد وارسته ای به جامعه و حیات طبیعت مادی و حتی معنوی می رسد احسان و برکت و تجلی تمام پاکی ها و دستگیری از افتادگان و عدالت و دادگری خواهد بود.

همین ایجاب و ایجاد فکر و عمل در توجه به حقیقت الوجود موجب ایجاد و تقویت روحی و قلبی پویندگان طریق طیبه حضرت احدیت می شود، اما در این میان سیر زندگی حضرت ختمی مآب (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرینش بهترین و عینی ترین طریق در سیر حیات طیبه چند روزه دنیای خاکی بوده که علماً و عملاً برای جامعه مسلمانان در اقصی نقاط عالم ترسیم گردیده است. با توجه به سیر زندگی هرکدام از این کاملان طریق حضرت دوست به مدد حضرت رحمان و رحیم و عنایت قدسی حضرات ائمه (علیهم السلام) و تلاش و توجه به کسب نورانیت الهی گونه، آدمی می تواند به پاکی و طهارت اخلاقی و فردی و اجتماعی دست یابد. همین سیر در مسیر طهارت و پاکی و دوری انسان از گناه و آلودگی های ظاهری و باطنی می تواند توشه و برات آخرتی در جهت نیل به قرب حق و نعمت حیات ابدی در محضر و پیشگاه جان جانان باشد. و لذا بهشت یک مومن از همین دنیا آغاز می شود. او از همین دنیا احساس خوشایند قرب به معشوق را که تمام وجودش به گونه فطری بدان گرایش دارد، تجربه می کند. چرا که سبک زندگیش را اینگونه ترسیم کرده است. این مطلب توسط بسیاری از جمله آیت الله حسن زاده آملی مورد تاکید قرار گرفته است، در آنجا که می گویند:

خدایا شکر که به لقای تو دست یافتم. (معنای زندگی، ص ۲۶۰)

یا دردعای ماه شعبان بر رسیدن به دیدار و وصال بدون حجاب در همین دنیا تاکید می شود:

"إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أُنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ" (بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۸)

(معبودا، به من جدایی کامل به سوی خودت را ارزانی فرما و دیده قلبمان را با فروغی که بدان تو را مشاهده کنند، روشن فرما تا دیده دل ما حجابهای نورانی را پاره کند و به منبع و معدن عظمت و جلال تو دست یابد و جانهای ما به عزت قدس و قداست تو بیوندد.)

پس اگر مشکل داریم به این علت است که عبد محض خداوند یکتا نشده ایم و شیطان از همین رخنه نفوذ می کند و با وسوسه ها تارو پود پندارین حیات دنیا را می تند و ما را اسیر می کند. لذا باید به زمینه سازی حضور در عالم عندیت و تحقق حیات طیبه همت گماشت و با صبر و استقامت به جهاد با نفس پرداخت و برای توفیق در این راه چاره ای نیست مگر اینکه با توکل به تدریج خود را به ولایت الهی و اولیای معصومان نزدیک کنیم و دعوت آنان را باگوش جان بشنویم و بر لوح دل بنگاریم که فرمود «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴) (ای ایمان آوردندگان، خدا و رسول را اجابت کنید، هنگامی که شما را فرا می خوانند تا زنده کنند.)

لذا اگر بخواهیم با این تفصیل به حیات طیبه دست پیدا کنیم باید سبک زندگی خود را با آن تطبیق دهیم و درکل اگر سعادت دنیوی و اخروی و همت فردی با تفضل الهی چنان قرین گردید که در مسیر کسب حیات و حتی ممات طیبه در دنیای خاکی قدم گذارد و سبک زندگی خود را بر این پایه استوار کنیم زهی سعادت و آفرین به این همت مردانه الهی گون باید گفت.

نتیجه :

قرآن کریم آخرین و کامل ترین کتاب آسمانی است که خدای تعالی برای هدایت انسان ها فرو فرستاده و بدین روی، از هر چه به کمال و نیک بختی آدمیان مربوط می شود، در این کتاب مقدس فروگذار نشده است. یکی از این اسرار قرآنی و حقایق عرفانی حیات طیبه اولیای خداست. که برای کشف آن باید منظری بلند پایه بر نگارستان آیات قرآن گشوده و از افق اعلاء، اسرار اوج عروج و معراج آدمی رامطالعه کرد .

با کاوش در آیات الهی به این نتیجه رسیدیم که: حیات طیبه که شایسته انسان موحد و وعده خدا به اوست همان حقیقت سبک زندگی اسلامی است « الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ » (کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند زندگی پاک و بازگشت نیکو از آن ایشان است). (رعد، ۲۹)

و هنگامی که ویژگی های حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی را مرور می کنیم متوجه می شویم که اگر انسانی در سر رسیدن به زندگی حقیقی و پایدار را می پروراند و خواستار علم و نور الهی و روزی مخصوص و رحمت خاص است به تبع باید اسلوب و سبک زندگی اش را در راستای چنین اهدافی قرار دهد. و این امر باعث می شود که زندگی صبغه و رنگ الهی به خود بگیرد و این همان رابطه ی معنا داری است که بین سبک زندگی و حیات طیبه وجود دارد، و در قرآن به آن تصریح شده است. لذا برای رسیدن به حیات طیبه، باید سبک زندگی خود را منطبق بر آن کنیم و نقش ایمان و عمل صالح را بر تار و پود زندگیمان حک کنیم تا به هدف خلقتمان که همان قرب الی الله و خلیفه اللهی بر روی زمین است، دست یابیم .

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۶) چ ۹، قم، انتشارات موعود اسلام
- ۱- المجلسی، محمد باقر (۱۳۷۴) بحار الانوار، ۱۰۷ جلدی، چ ۳، تهران، انتشارات اسلامیة
- ۲- آلوسی بغدادی، سید محمود (۱۴۱۴ ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۳- امام محمد رازی، فخر الدین بن علامه ضیاء الدین عمر (۱۴۱۴ ق) تفسیر فخر رازی، بیروت: دار الفکر
- ۴- بیات، محمد رضا (۱۳۹۰) دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- ۵- جوادی آملی، عبدالله (دیدگاه علامه در باب ولایت الهی)، مجله میراث جاویدان، ش دوم (۱۳۶۹) سال دوم
- ۶- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۱) مفاتیح الحیاه، قم: چ ۲۴، مرکز نشر اسراء
- ۷- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵) فلسفه و هدف زندگی، تهران: انتشارات قدیانی
- ۸- جوادی آملی (۱۳۸۲) تفسیر موضوعی قرآن، (حیات حقیقی انسان در قرآن)، قم: مرکز نشر اسراء
- ۹- خمینی، روح الله، علم الیقین
- ۱۰- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۱) رسال الولاية ضمیمه کتاب طریق عرفان (ترجمه رساله الولاية)، ترجمه صادق حسین زاده، قم: نشر بخشایش
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۱ هـ ق، ۱۹۹۱ م) المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلدی، بیروت، لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۱۲- فیضی، کریم (۱۳۸۸) زندگی و بس، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۱۳- فضل بن حسن طبرسی (۱۳۸۰) تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: فرهنگی
- ۱۴- قرائتی، محسن (۱۳۸۳) تفسیر نور، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن
- ۱۵- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷) تفسیر قمی، چ ۴، قم: دارالکتاب
- ۱۶- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ هـ ق، ۱۳۸۷) الکافی، ۸ جلدی، الطبعة الاولى، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر
- ۱۷- گامی بسوی معارف اسلامی، جمعی از نویسندگان
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر [و دیگران] (۱۳۷۲) تفسیر نمونه، ۲۷ جلدی، چ ۱۰، قم: دارالکتب الاسلامیه
- ۱۹- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۲۰- موفق، علیرضا (۱۳۸۸) معنای زندگی، تاملی بر دیدگاه دین و مکاتب بشری، انتشارات کانون، اندیشه جوان
- ۲۱- مظاهری سیف، حمید رضا، مقاله حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم
- ۲۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۰) تفسیر راهنما، چ دوم، قم: بوستان کتاب